

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۲۵، پیاپی ۱۱۵، بهار ۱۳۹۴

مسئله تریاک در جامعه عصر رضاشاه: پدیده اعتیاد، آثار سوء اجتماعی آن و راهکارهای دولت در مقابله با آن

سیمین فصیحی^۱
فریده فرزی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۸

تاریخ تصویب: ۹۳/۸/۴

چکیده

این مقاله درصدد بررسی مسئله تریاک در جامعه ایران عصر پهلوی است. اعتیاد به تریاک که در این دوره خود به معضلی بزرگ تبدیل شد، میراثی از دوران صفویه و قاجار بود. از اواخر دوره صفویه تولید و مصرف تریاک در جامعه افزایش یافت و در دوره قاجار و پهلوی، تجارت آن نقشی مهم در اقتصاد کشور ایفا کرد. افزایش تولید و تجارت تریاک به منظور عرضه به بازارهای جهانی در عصر قاجار و انتقال فزاینده این روند به دوره پهلوی، قابلیت دسترسی

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء؛ fasihis@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران، دانشگاه بین المللی قزوین؛ farzi.farideh@yahoo.com

آسان به این ماده را در سطح جامعه افزایش داد و این امر توأم با فرهنگ استفاده غلط از این ماده به جای هر نوع دارو درکنار عوامل داخلی دیگر، بر میزان مصرف آن در جامعه افزود و معضلی ایجاد کرد که اثرات سوء آن دامنگیر جامعه گردید. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، و با تکیه بر اسناد منتشر نشده، روزنامه‌ها، خاطرات و کتاب‌های تاریخی این دوره تلاش کرده است تا اولاً علل رواج مصرف تریاک و تاثیرات منفی اجتماعی آن را بررسی کند و ثانیاً راهکارهای دولت پهلوی اول در مقابله با پدیده اعتیاد را واکاوی نماید. دستاوردهای تحقیق نشان می‌دهد که رواج این پدیده تبعات منفی اجتماعی از جمله دزدی، قاچاق و سایر بزهکاری‌های اجتماعی را به دنبال داشت و دولت رضاشاه که از اثرات سوء مصرف آن آگاه بود، برنامه‌هایی برای منع استعمال آن طراحی کرد اما به موفقیت چندانی دست نیافت، زیرا تولید و تجارت تریاک به دلیل منافع سرشاری که برای دولت داشت همچنان رو به افزایش رفت و سیاست‌هایی که برای فروش هر چه بیشتر تریاک اعمال گردید، تدابیر بازدارنده مصرف آن را خنثی کرد و حتی گاه به شیوع استعمال آن دامن می‌زد.

واژه‌های کلیدی: تریاک، جامعه ایران، اعتیاد، رضاشاه.

مقدمه

مصرف تریاک در ایران از دیرباز رواج داشته و در دوره‌های مختلف از این ماده چه به‌عنوان دارو چه به‌عنوان مخدر و مکیف استفاده می‌شده است. ایرانیان از خواص این ماده که گاه آن را افیون نیز می‌نامیده‌اند، آگاه بوده و از دوران باستان با کاشت، مصرف و حتی تجارت آن آشنایی داشته‌اند. منطقه ایران امروز جزو اولین مناطقی در تاریخ بشر بوده که

تریاک در آن مصرف می شده است. این ماده، در عهد باستان جزو اقلام تجاری بوده و نیز در قرن ۱۴ میلادی / ۸ ق مقادیر معتناهی از آن به چین صادر می شده است. در حکومت صفوی کاشت و مصرف آن نسبتاً افزایش یافت و در دوره قاجار که مناسبات ایران با غرب وارد مرحله جدیدی شد و ایران به عرصه اقتصاد جهانی گام نهاد، تولید تریاک در مقیاسی وسیع برای عرضه به بازارهای خارجی آغاز گردید. در دوره پهلوی این روند با شتاب بیشتری ادامه یافت و بدین ترتیب از نیمه دوم قرن نوزدهم به بعد جامعه ایران به گونه‌ای چشمگیر با ازدیاد تولید، افزایش تجارت و فزونی مصرف تریاک روبرو گردید و این فزونی، خود منشا اثرات سوئی برای جامعه گردید.

این پژوهش در صدد پاسخگویی به این پرسش‌هاست که علل شیوع مصرف تریاک و تاثیرات سوء آن در جامعه دوره پهلوی چه بود؟ دولت در جهت مبارزه با اعتیاد چه اقداماتی انجام داد و چرا این اقدامات در جهت ریشه کن کردن معضل اعتیاد، مؤثر واقع نشد؟

بررسی‌ها نشان می دهد که در دوره رضاشاه، تقاضای بازارهای جهانی برای خرید تریاک از ایران تولید و تجارت این محصول را افزایش داد و به موازات این افزایش، سهولت دسترسی به آن بیشتر شد و این امر توأم با فرهنگ غلط استفاده از این ماده مخدر به جای هر نوع داروی دیگر، میزان مصرف آن را در بین مردم بالا برد. افزایش مصرف آن دولت پهلوی را به اعمال سیاست‌های بازدارنده واداشته، اما این سیاست‌ها چندان قرین موفقیت نگردید زیرا دولت پهلوی نیازمند درآمد حاصل از افزایش کشت و تجارت تریاک بود و برنامه‌هایی که برای افزایش فروش بیشتر تریاک تدارک دید، در عمل برنامه‌های محدودکننده مصرف آن را خنثی کرد.

در باب تریاک و اعتیاد به آن در جامعه ایران در دوره‌های مختلف پژوهش‌هایی صورت گرفته است. این پژوهش‌ها گاه به شکل عام به پدیده تریاک‌کشی در ایران پرداخته‌اند از جمله کتاب "از سیر تا پیاز" باستانی پاریزی^۱ که اشاراتی کلی به این پدیده داشته است و یا در دوره‌ای خاص آن را بررسی نموده‌اند: مقاله "علل رواج اعتیاد در جامعه

^۱ محمد ابراهیم باستانی پاریزی، از سیر تا پیاز، تهران، علم ۱۳۷۹

عصر قاجار و آثار اجتماعی آن^۱، علل شیوع اعتیاد و اثرات مخرب آن را در طبقات مختلف عصر قاجار بررسی کرده است. دو مقاله دیگر به ترتیب با عناوین "ماجرای منع تریاک"^۲ و "تریاک و اقدامات انجمن مبارزه با تریاک و الکل"^۳ به اقدامات دولت رضاشاه در جلوگیری از استعمال تریاک اشاراتی کرده‌اند. مقاله پیش رو اما به گونه‌ای مبسوط و تفصیلی، به علل رواج اعتیاد در جامعه عصر رضاشاه پهلوی پرداخته و ضمن اشاره به افزایش کشت و تجارت تریاک که در کنار عوامل دیگر می‌توانست به رشد مصرف آن در سطح جامعه منجر شود، مناطق مصرف آن و نیز لایه‌های اجتماعی درگیر با آن و معضلات آنها را مشخص کرده و همین‌طور به سیاست‌های دولت در مبارزه با اعتیاد تریاک پرداخته و نشان داده که برنامه‌های دولت در مواجهه با معضل اعتیاد، نقشی دوگانه ایفا کرده است. دولت از یک سو برای منع استعمال تریاک تدابیری اندیشیده ولی از سوی دیگر با توجه به منافع سرشاری که از افزایش کشت و تجارت تریاک داشته، سیاست‌هایی را برای فروش هر چه بیشتر آن اعمال کرده که خود به شیوع مصرف و در نتیجه اعتیاد به آن دامن زده است.

تاریخچه مصرف تریاک در ایران

مصرف تریاک در کشور ما تاریخی دیرینه و پرفراز و نشیب داشته، ایران جزو اولین مناطقی بوده که تریاک در آن مورد استفاده قرار می‌گرفته است. منابع سومری که در ایران کشف شده گزارشاتی در خصوص تریاک ارائه داده‌اند و منابع مختلف دیگر نیز کاشت و مصرف آن را در دوره‌های مختلف روایت کرده‌اند (Regavim, 2012: 20). استفاده از این ماده به صورت پادزهر و دارو از دیرباز مرسوم بوده است. ایرانیان باستان با کوکنار یا خشخاش آشنا بوده‌اند و گاه آن را به صورت مخدر در جشن‌های خود استفاده

^۱ سید هاشم آقاچری، مهدی دهقان حسام‌پور و کامران حمانی، "علل رواج اعتیاد در جامعه عصر قاجار و آثار اجتماعی آن" مطالعات تاریخ اسلام، سال ۴، ش ۱۲، بهار ۹۱

^۲ عبدالحسین نوایی، "ماجرای منع تریاک" گنجینه اسناد، ش ۱۶، زمستان ۱۳۷۳، ۱۶-۳۵

^۳ مهشید لطفی‌نیا، "تریاک و اقدامات انجمن مبارزه با تریاک و الکل"، گنجینه اسناد، ش ۷ و ۸، زمستان ۱۳۷۱، ۱۱۰-

می کرده‌اند. (آقاجری و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱). مستندات تاریخی، مصرف این ماده را چه به صورت دارو و چه به صورت مخدر در دوره‌های بعد از اسلام نیز نشان می‌دهد، پزشکان ایرانی از خواص دارویی آن آگاهی داشته‌اند و از آن برای مصارف طبسی استفاده می‌کرده‌اند. از خواص تخدیری آن در کتاب‌های تاریخی و دیوان اشعار شعرا، سخن به میان آمده است. در روزگار پیشین تریاک را مثل دوره‌های اخیرتر با وافور نمی‌کشیدند بلکه می‌خوردند و یا در شراب حل می‌کردند. تا قبل از دوره صفویه مصرف تریاک به عنوان مخدر مکیف بسیار اندک و خاص طبقه مرفه جامعه بود. اما از اواخر این دوره بر میزان مصرف آن افزوده شد و از طبقات مرفه جامعه به سایر طبقات اجتماعی نیز سرایت کرد (لطیفی‌نیا، ۱۳۷۱: ۱۱۰ و نوایی، ۱۳۷۳: ۱۷).

در دوره قاجار که ایران در تماس فزاینده با دنیای غرب و بازارهای جهانی قرار گرفت، تریاک به کالای تجاری تبدیل شد و تولید و تجارت آن فزونی گرفت. این افزایش در تولید و تجارت می‌توانست، قابلیت دسترسی به آن را آسان‌تر و زمینه برای مصرف بیشتر آن را فراهم نماید. با گذار موفقیت آمیز ایران از اقتصاد معیشتی به اقتصاد تجاری، درآمد روستاییان افزایش یافت و به آنان مجالی برای خرید اقلام جدید، پس انداز پول و مصرف کالاها و موادی از جمله تریاک داد که پیش از این نمی‌توانستند مصرف کنند (Regavim, 2012: 127). به گفته دکتر نوایی، این تولید و تجارت شوم چندان توسعه یافت که صغیر و کبیر، پیر و جوان را به دام خود انداخت، حتی برای آرام کردن بچه‌ها به آنها "کیف" یعنی تریاک به اندازه یک ماش می‌دادند (نوایی ۱۳۷۳: ۱۸). افرادی مانند بلوشر^۱ نیز مصرف تریاک در بین مردم را اینگونه توصیف می‌کند "زندگی مردم تنگدست، به خصوص دهقانان و رعایا در آن کلبه‌های خشت و گلی ابتدایی خالی از هر نوع تنوع و جاذبه است. چون اینان نمی‌توانند عملاً و واقعاً به زندگی خود بهبود بخشند، می‌کوشند که آن را در عالم خیال به صورت دلخواه درآورند، این توهم و خیال هم چیزی است که با توسل به مخدر فراهم می‌آید. در کنار این مردم گروه دیگری نیز هستند که برای دستیابی به لذت بیشتر و بیشتر به مخدر پناه می‌برند" (بلوشر، ۱۳۶۹: ۲۸۹).

^۱ Blucher

بدین ترتیب در میانه قرن نوزدهم مصرف تریاک به طرز چشمگیری افزایش یافت و تریاک کشی تقریباً در هر گوشه‌ای از ایران گسترش یافت. مردان در قهوه‌خانه‌ها، از این کار به عنوان تفریح اجتماعی استفاده می‌کردند (Regavim, 2012: 128). گفته شده، مقارن با سلطنت ناصرالدین‌شاه استعمال تریاک چنان رسمیت یافت که تصویر شاه بر حقه‌های وافور منقوش شد (علیوردی‌نیا، ۱۳۸۶: ش ۲۴۰-۲۳۹. ص ۱۳۶).

نقش سیمبانات و کارگران هندی خطوط تلگراف را در گسترش و آموزش تریاک کشی در ایران بی‌تاثیر ندانسته‌اند، خراسان به صورت دروازه‌ای برای تریاک کشی درآمد، به طوری که از ۱۳۲۰ ق پیشقراولان قاچاقچیان این ماده مخدر در لباس درویشان هندی در خراسان و کرمان پراکنده شدند و به تریاک کشی روی آوردند (کوهی کرمانی، ۱۳۲۴/۱: ۱۲). شیوع اعتیاد به تریاک در عصر قاجار آن را به معضلی اجتماعی تبدیل کرد که در عصر پهلوی نیز همچنان پا بر جا باقی ماند.

گستره مصرف تریاک در نواحی مختلف ایران

مصرف تریاک در اشکال مختلف در مناطق گوناگون ایران در عصر رضا شاه رایج بوده است این ماد را هم به عنوان دارو و هم به عنوان مخدر می‌خورده یا می‌کشیده‌اند. گزارش شده که در سال‌های ۱۹۲۳-۱۹۲۴ م / ۱۳۰۲-۱۳۰۳ ش هر ده هزار نفر در ایران، ۴۵۹ پوند تریاک مصرف می‌کرده‌اند و این رقم با توجه به حد مجاز مصرف تریاک توسط مجمع اتفاق ملل در همان سال‌ها، که برای هر ده هزار نفر، ۱۲ پوند تریاک خام تعیین شده، نشان می‌دهد که مصرف آن در ایران ۳۸ برابر حد مجاز بوده است (ریچاردز، ۱۳۴۳: ۳۶).

گرچه استعمال تریاک در همه جای ایران مرسوم بود اما برخی شهرها و مناطق کشور به سبب افزایش استعمال تریاک در آن‌ها، در مقایسه با دیگر مناطق کشور، شاخص بودند و فراوانی آمار اعتیاد در آن‌ها قابل توجه بود؛ مثلاً استان‌هایی همچون کرمان، مشهد، اصفهان و قم بیشترین آمار اعتیاد در کشور را دارا بودند.

به تصریح دکتر نلیگان^۱، اعتیاد به مصرف تریاک از خراسان شروع شد و سپس به نواحی دیگر سرایت کرد. به منظور اشاعه کشیدن تریاک، یک هیئت بزرگ از مرشدان و پیران هندی، نخستین بار در خراسان ظاهر شدند. این ریاضت کشان هندی با کارها و خوارق عادات خود توانستند در دستگاه بزرگان و متنفذان ایران راه یابند و تریاک را از بهترین انواع تفنن جلوه دهند (کوهی کرمانی، ۱۳۲۴: ۹/۱). منابع دیگر نیز اشاره دارند که با توجه به تعداد زیاد تریاک کشان در مناطق شرق خراسان و کرمان شاید بتوان گفت که تریاک کشی، اولین بار به این مناطق که اولین توقفگاه های کاروان های تجاری و زوار آسیای شرقی بوده، وارد شده است^۲ ولی دلایل چندان کافی برای این ادعاها وجود ندارد (Regavim, 2012:126).

هر چند نمی توان گفت که تریاک کشی به طور قطع اولین بار در خراسان یا کرمان آغاز شده اما گزارشات موجود از مصرف زیاد تریاک در این مناطق حکایت دارد. یکی از مهم ترین شهرهایی که در بیشتر سفرنامه ها، گزارش هایی از مصرف تریاک در آن ذکر شده، شهر کرمان است. مریت هاکس^۳ درباره اعتیاد به تریاک در کرمان نوشته است:

در کرمان، بیش از هر جای دیگر، غیر از قم، اشخاص تریاکی دیدم؛ در عین حال، همه اذعان داشتند که کشیدن تریاک کم شده و مصرف آن در ملاء عام، خلاف قانون است. یک بار مجبور شدم در ساعت یازده شب که تمام دکان ها بسته بود، از بازار بگذرم. در فواصلی نه چندان دور از هم، مردان و پسرانی در اثر مصرف این دارو، روی زمین ولو شده بودند (هاکس، ۱۳۶۸: ۷۰).

^۱ Neligan

^۲ گفته شده تریاک کشیدن در چین در قرن هفدهم میلادی آغاز شد و در چین و سایر جوامع چینی آسیای شرقی به صورت معمول و مطلوب در آمد و از آن جا به سایر نقاط آسیا سرایت کرد (Regavim, 1995: 125-126).

^۳ Merritt Hawks

^۴ Fredrick Charles Richards

البته گاه برخی افراد، اعتیادشان را پنهان می‌کردند؛ به طوری که به گفته مریت هاکس، «اگر مرد تریاک می‌کشید، زنش نیز تریاک می‌شد؛ ولی اگر تنها زن تریاک باشد، می‌کوشد آن را از شوهرش پنهان کند» (هاکس، ۱۳۶۸: ۷۰).

فردریک ریچاردز^۱ نیز معتادین را در هر قسمتی از ایران به خصوص خراسان و مشهد که زوار در آنجا جمع می‌شدند و در کرمان و کلیه شهرهای کوچک و دهات و قصبات جنوب تهران ردیابی می‌کند. (۱۳۴۳: ۳۹) وی در مورد کرمان می‌نویسد: «می‌گویند در شهر کرمان که شصت هزار نفر جمعیت دارد، تعداد ۲۵ هزار نفر به تریاک معتاد هستند؛ به همین دلیل، در ایران، به شوخی می‌گویند: در کرمان، «از هر سه تن، چهار تن معتاد به تریاک هستند» (ریچاردز، ۱۳۴۳: ۳۶).

شایان ذکر است که در گذشته، مصرف تریاک در مناطق مختلف جامعه رواج داشت؛ اما عاملی که سبب می‌شد یک منطقه به لحاظ مصرف این ماده، شاخص تر شود، وابستگی مشاغل افراد آن منطقه به تریاک بود. این امر خود شاید می‌توانست نسبتی بین کشت تریاک و مصرف آن برقرار نماید به طوری که در مراکز اصلی کشت تریاک، میزان اعتیاد نه تنها در مردان، بلکه در زنان هم بیشتر از میزان اعتیاد مردان در مناطقی بود که تریاک کشت نمی‌شد؛ مثلاً در استان‌های کرمان و مشهد، میانگین اعتیاد زنان، چهل درصد بود؛ در حالی که میانگین اعتیاد در استان‌هایی مانند آذربایجان غربی و شرقی که در آن‌ها تریاک کشت نمی‌شد، بسیار کمتر از این میزان بود (اسناد ملی، ش سند: ۳۵۲۰۵-۲۴۰).

سنت‌های اجتماعی متداول در برخی مناطق هم در افزایش مصرف این ماده، مؤثر بود. متأسفانه، درباره سنت‌های اجتماعی مرتبط با مصرف تریاک، در منابع این دوره، مطلبی دال بر این ادعا یافت نشد؛ اما در بحث با افراد مختلف درباره مصرف تریاک در مناطق مختلف، بسیار گفته شده است که تا چند دهه قبل، در مناطقی مانند کرمان، در عروسی‌ها و عزاداری‌ها، از تریاک به عنوان وسیله‌ای برای پذیرایی از مهمانان استفاده می‌شده است و حتی تا چند دهه پیش، منقل و وافور، بخشی از جهیزیه نوعروسان در مناطقی مانند کرمان

بود. این گزارش‌ها نشان می‌دهند در چنین مناطقی، مصرف تریاک نه تنها سرشکستگی نداشت؛ بلکه به عنوان یک سنت در میان مردم امری عادی بود.

استعمال تریاک در میان طبقات مختلف جامعه

هم‌چنان که ذکر آن رفت، مصرف تریاک در ایران سابقه ای دراز داشته، اما اعتیاد به آن بیشتر میراثی از دوره صفویه و قاجار بود که به دوره پهلوی نیز انتقال یافت. مصرف تریاک در ایران از دهه ۱۸۵۰ میلادی افزایش چشمگیری یافت و به موازات مدرن سازی تولید تریاک، تریاک کشیدن در ایران به جای استعمال خوراکی آن رواج یافت و بسیار پر طرفدار گردید. تریاک به عنوان ماده اصلی و معمول پذیرایی و مهمان نوازی در خانه های بسیاری از ایرانیان مورد استفاده بود و مردم از طبقات و مشاغل مختلف اعم از زن و مرد، پیر و جوان، غنی و فقیر آن را به ویژه در قهوه‌خانه‌ها و با استفاده از قلیان مصرف می‌کردند. از بقایای تریاک کشیده شده و آب قلیان مصرف شده، نوشیدنی ای به نام شیره سوخته جمع آوری می‌شد که مردم فقیر که توانایی خرید تریاک نداشتند، آن را مصرف می‌کردند که خود شاخصی از محبوبیت تریاک حتی در بین مردم فقیر بود (Regavim, 2012:12, 128). گزارشاتی از تریاک کشیدن اقشار و طبقات مختلف مردم در عصر رضاشاه در دست است. این طبقات و گروه‌ها را می‌توان به شرح زیر فهرست کرد:

الف) ایلات و عشایر

در بحث شیوع تریاک در میان ایلات و عشایر، بیشتر سفرنامه‌نویسان از شیوع استعمال زیاد این ماده در ایل بختیاری سخن گفته‌اند. نیدر مایر^۱ دربارهٔ اعتیاد در ایل بختیاری نوشته است:

بختیاری‌ها ایلی هستند که مرکز ایران را زیر سلطه دارند و در عین حال، تنها عشیرهٔ ایرانی هستند که برایشان مفهوم «وطن» با مراتعشان فرق می‌کند و یکی نیست... رؤسای آن‌ها را می‌توان در شمار باسوادترین و کارآمدترین رؤسای

^۱ Nieder Mayer

ایلات ایران شمرد؛ اما متأسفانه، تریاک و سفلیس، قسمتی از آن‌ها را به‌نحوی قابل تأمل، فاسد و تباه کرده است (نیدر مایر، ۱۳۶۳: ۲۸۸).

مریت هاکس درباره‌ی این مسئله نوشته است: «بدترین خلافکاران از قبایل بختیاری هستند؛ البته ثروتمندان بیش از فقرا در کشیدن تریاک زیاده‌روی می‌کنند» (هاکس، ۱۳۶۸: ۷۰-۷۱). در کتاب *تاریخ تریاک و تریاکی در ایران* نیز درباره‌ی سوء‌مصرف تریاک در ایل بختیاری آمده است: «در ایلات و عشایر، این سم مهلک راه پیدا کرد و بیشتر در ایل بختیاری که اغلب خوانین و کلانترها معتاد بودند» (کوهی کرمانی، ۱۳۲۴: ۱/۱۰) یکی از دلایل اعتیاد به تریاک در ایلات را سرخوردگی بزرگان و ریش سفیدان این ایلات دانسته‌اند. اعمال سیاست‌های تمرکزگرایانه (اسکان عشایر) دولت رضاشاه که به سرکوب شدید ایلات از جمله بختیاری‌ها منجر شد و به کشته شدن، برکنار شدن و مصادره اموال و دارایی‌های خوانین و رجال برجسته ایل بختیاری انجامید؛ ضعف و سرخوردگی سیاسی این ایل را به دنبال داشت و شاید همین امر از دلایل شیوع اعتیاد فزاینده در ایل بختیاری باشد که بیشتر سفرنامه‌نویسان به آن اذعان کرده‌اند (هاکس، ۱۳۶۷: ۷۲ و نیدر مایر، ۱۳۶۳: ۲۹۰).

ب) ملاکان و زارعان تریاک

این گروه نیز چون به‌سهولت، تریاک را در دسترس خود می‌یابند، معمولاً معتاد می‌شوند. حتی عمل‌جاتی که خشخاش را خش می‌زنند، با انگشت از شیرهای که از آن خارج می‌شود، می‌خورند و اغلب بدین طریق معتاد می‌شوند (کوهی کرمانی، ۱۳۲۴: ۱/۷۳). گروه دیگر از معتادان از این دسته، کارگران مزارع هستند که به‌سبب ناآگاهی و نیز دوستی با اشخاص معتاد، به مصرف تریاک مبتلا شده‌اند (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۴، جلسه ۳۹: ص ۴۰).

ج) درویشان

عادت به مصرف تریاک طی دوره‌های قاجار و پهلوی، بین این قشر فقیر همچنان وجود داشت. مریت هاکس نوشته است: «مصرف تریاک و خوردن عرق در میان درویشان هم رایج بوده است» (هاکس، ۱۳۶۸: ۹۹). یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در اعتیاد این گروه از جامعه، فقر و بی‌خانمانی آنان بود. این گروه بیشتر وقت خود را در قهوه‌خانه‌ها و مراکز عمومی می‌گذراندند که در آن‌ها تریاک به صورت گسترده استعمال می‌شد و در نتیجه، این افراد به آسانی معتاد می‌شدند (میلسپاو، ۱۳۰۳: ۳۳ و اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ش سند: ۲۹۰۰۰۵۹۰۵). دلیل دیگر برای شیوع اعتیاد میان این قشر از جامعه، آن بود که چون این افراد معمولاً به گدایی روی می‌آوردند و در فصل برداشت محصول، به مزارع می‌رفتند، زارعان تریاک به عنوان صدقه، مقداری تریاک به آنان می‌دادند و در نتیجه، استعمال تریاک میان افراد این طبقه، بسیار زیاد بود (میلسپاو، ۱۳۰۳: ۱۱).

د) گدایان

به روایت سفرنامه نویسان، بخشی از معتادان جامعه از قشر گدایان بودند فردریک ریچاردز، سیمای گدایان در شهرهای مختلف و در طول جاده‌ها را این گونه ترسیم کرده است:

در اغلب این نواحی، افراد مخبطی یافت می‌شوند که خود را به ابلهی می‌زنند و یا این طور می‌نمایند که گرفتار یکی از ارواح خبیث شده‌اند و برخی دیگر از آن‌ها را در طول توقفگاه‌های بین جاده‌ها می‌توان دید. این‌ها نمونه‌های وحشتناکی از متکدیان معتاد هستند که با قیافه‌های نفرت‌انگیز و ناامید، به اتفاق کودکانی که نسخه‌اصل پدران خود هستند، خود را به مسافران نشان می‌دهند (ریچاردز، ۱۳۴۳: ۲۳).

مریت هاکس نیز نوشته است: «بسیاری از گداها معتادند. گدایی شکایت داشت که به دست آوردن صدقه کافی برای امرار معاش و تهیه دو قران برای تریاک که او را سر حال بیاورد، بسیار دشوار شده است» (هاکس، ۱۳۶۸: ۷۱).

ه) شاه و درباریان

رضاشاه خود از جمله کسانی بود که تریاک مصرف می‌کرد و به این ماده افیونی اعتیاد داشت. در طول سلطنت وی حتی یک نفر مسئولیت داشت که روزانه مقداری از این ماده را برای وی فراهم نماید (علی‌مردانی، ۱۳۸۸: ۱۱۴). فردوست که خود، یکی از رجال نزدیک به خاندان پهلوی بوده، دربارهٔ عادت رضاشاه به استعمال تریاک نوشته است:

رضاخان تریاک می‌کشید؛ ولی ظاهراً حالت تجویز و معالجه داشت. گویا شخصی به او گفته بود «اگر هر روز، این مقدار معین تریاک بکشی، از همهٔ مرض‌ها مصون می‌مانی؛ به شرطی که منظور، لذت‌بردن از تریاک نباشد». او نیز همیشه این برنامه را با دقت انجام می‌داد و متصدی انجام این کار نیز مشخص بود (فردوست، ۱۳۷۰: ۷۲ / ۱).

متن این گزارش نشان می‌دهد باورهای نادرست دربارهٔ خواص طبی و درمانی تریاک حتی در اندیشهٔ بالاترین مقام حکومت (شاه) هم نفوذ کرده و در این دوره، تفکرات سنتی نادرست همچنان به قوت خود باقی مانده بود و این، خود عاملی مهم برای شیوع اعتیاد در میان اقشار مختلف جامعه محسوب می‌شود.

در این زمان، به دلیل رواج همین تفکرات نادرست، طبقات بالای جامعه (شاه و درباریان) به استعمال روزافزون تریاک و مواد مخدر روی آوردند و به آن اعتیاد پیدا کردند. همین مسئله، از عوامل مهم رواج مصرف تریاک در میان طبقات سرخورده و پایین‌دست می‌شد که برای گریز از مشکلات به آن پناه می‌بردند و بدین صورت، مصرف تریاک به شکلی روزافزون در سطح جامعه رواج یافت (علی‌مردانی، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

علل شیوع اعتیاد به تریاک در عصر پهلوی

موج فزایندهٔ اعتیاد به مصرف تریاک که از دورهٔ قاجار در جامعهٔ ایران شدت گرفته بود، در پی روی کار آمدن رضاشاه، متوقف نگردید. هم‌چنان که نشان داده شد، این ماده در مناطق مختلف و تقریباً در همهٔ اقشار و لایه‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گرفت. علل مختلفی را برای این شیوع می‌توان برشمرد. برخی از این علل از دوره‌های قبل وجود

داشته است، مثلاً آنچه که به عنوان علل رواج تریاک در دوره قاجار ذکر شده از جمله مشکلات اجتماعی و روانی، عدم حرمت استعمال تریاک از جانب علما، و فرهنگ استفاده غلط از این ماده، (آقاجری و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳-۱۴) می‌تواند در دوره رضاشاه هم مصداق داشته باشد، به ویژه مورد اخیر که از دیر باز در ایران معمول بوده است، از زمان‌های قدیم، پزشکان برای مداوای برخی بیماری‌ها از تریاک استفاده می‌کردند. وقتی مردم به خاصیت تسکین‌دهنده این ماده پی بردند، به صورتی گسترده، آن را برای درمان بیماری‌ها به کار بردند و دوره حکومت پهلوی هم از این قاعده، مستثنا نبود. استعمال تریاک برای مداوا منحصر به بزرگسالان نبود و کودکان هم از دوران کودکی، ناخواسته و به دلیل رواج باورهای نادرست در میان بزرگسالان، به خوردن تریاک عادت داده می‌شدند؛ بدین صورت، چه بسا که این تأثیرات در دوره جوانی، آشکار می‌شد و فرد را به استعمال همیشگی این ماده مجبور می‌کرد. نتیجه این روند، پایین آمدن سن اعتیاد در جامعه بود. در نهایت، استعمال تریاک در خانواده‌ها شبیه نوعی وراثت، فرد را درگیر معضل اعتیاد می‌کرد.

کازاما^۱ درباره تجویز تریاک برای نوزادان نوشته است: «اگر نوزاد بیمار شود، والدین طفل از خویشاوندان و همسایگان چاره‌جویی می‌کنند. آن‌ها نیز شربت و داروهای گوناگون را به بچه می‌خورانند. در این معالجه، بیشتر، از قنداق (شربت قند) یا تریاک استفاده می‌شد» (کازاما، ۱۳۸۰: ۱۵۲).

فردریک ریچاردز هم درباره این مسئله نوشته است: «می‌گویند هم‌اکنون، هزاران کودک ایرانی را به وسیله دمیدن تریاک به صورت آن‌ها می‌خوابانند و یا برای این منظور، مادر قطعه کوچکی از تریاک را زیر ناخن خود جای می‌دهد و کودک را وادار به مکیدن آن می‌کند» (ریچاردز، ۱۳۴۳: ۲۴).

بنابراین می‌توان گفت نگرش ایرانیان به تریاک و مشتقات آن، باعث شده بود این ماده را برای مداوای تمام بیماری‌ها به کار برند. این طرز فکر همراه با دسترسی آسان به تریاک، کم بودن تعداد پزشکان و نبود دارو در مناطق دورافتاده باعث شد زنان هم این ماده را در

^۱ Kazama

مقیاسی گسترده، برای مصارف طبی استعمال کنند. یکی از مهم‌ترین مصارف طبی تریاک از جانب زنان، استفاده از آن برای سقط جنین بوده است. مریت هاکس که در این دوره به راحتی توانسته به مجامع زنان راه یابد، نوشته است: «در ایران، سقط جنین دیده می‌شود؛ اما عمومیت ندارد... برای این کار از گنه‌گنه، حنظل و تریاک استفاده می‌کنند» (هاکس، ۱۳۶۸: ۲۱۷). وی در جایی دیگر، درباره استفاده طبی از تریاک از جانب زنان نوشته است: «در سفر شیراز به اصفهان، یک زن که سردرد داشت، در فرصت‌هایی که فکر می‌کرد کسی متوجه او نیست، حبه‌های کوچک قهوه‌ای‌رنگی را از گوشه دستمالش درمی‌آورد و به دهان می‌انداخت» (همان: ۴۹).

بنابراین، استفاده طبی از تریاک به دلیل رواج باورهای نادرست، در گرایش مردم به استفاده از آن به عنوان یک ماده مخدر، نقش داشت؛ زیرا این‌گونه استفاده، افراد را به سوی مصرف همیشگی و در نهایت اعتیاد سوق می‌داد.

علاوه بر این ماهیت کشت این ماده و در دسترس بودن آن برای همگان، می‌توانست در افزایش مصرف آن نقش داشته باشد؛ به طوری که یادداشت‌های دکتر میلسپاو حکایت دارد:

در فصل تیغ‌زدن (گرز خشخاش)، عمله‌های بسیار از نقاط دور و نزدیک، وارد مناطق کشت تریاک می‌شوند. این عمله‌ها به جای قسمت یا تمام مزد خود، شیره تریاک دریافت می‌نمایند...؛ همچنین در موقع برداشت محصول، دوره‌گردهایی که در طول سال، به رعیت، جنس نسیه فروخته‌اند، از بابت طلب خود به جای وجه نقد، تریاک دریافت می‌کنند. از سوی دیگر، در فصل تیغ‌زنی، هزاران خرده‌فروش، دوره‌گرد، درویش، نقال، فالگیر و... و وارد هر منطقه از زراعت تریاک که می‌شوند، صاحبان تریاک، دم‌کارد یا چاقویی را که تریاک را با آن، تیغ می‌زنند، به کف دست آن‌ها مالیده و به اصطلاح خودشان، «دم چاقویی» می‌دهند (میلسپاو، ۱۳۰۳: ۳۳).

بنابراین افرادی که به نوعی معیشتشان وابسته به زراعت این ماده بوده، می‌توانستند، راحت‌تر در معرض اعتیاد قرار گیرند. کوهی کرمانی، دلیل اعتیاد کشاورزان و صاحبان

دیگر مشاغل مرتبط با کشت تریاک را این گونه بیان کرده است: «ملاکین و زارعین خشخاش کار چون به سهولت، تریاک را در دسترس خود می‌یابند، اکثراً معتاد شده و حتی عمه‌جاتی که به تیغ‌زدن خشخاش مبادرت می‌نمایند، با انگشت از شیرهای که خارج می‌شود، می‌خورند و اغلب بدین طریق، معتاد می‌گردند» (کوهی کرمانی، ۱۳۲۴: ۱/ ۴۹).

افزایش کشت تریاک و تبدیل آن به یک کالای تجاری که از دوره قاجار آغاز شده بود در دوره پهلوی نیز همچنان با شدت بیشتری ادامه یافت، بسیاری از مشاغل مرتبط با آن ایجاد شد و افراد مختلفی با این ماده سرو کار یافتند که خود می‌توانست زمینه‌ای برای مصرف تریاک توسط افراد دست‌اندرکار آن ایجاد کند. "بر اثر کشت مداوم تریاک و توسعه روز افزون آن و تفنن افراد در استعمال مواد مخدر بر حسب ذوق و سلیقه خود، مصرف این ماده به صورت کشیدن و خوردن، در اشکال مختلف وافور، نگاری، چراغ، مشاغلی نکبت بار پدید آمده بود مثل زارع و تیغزن و تریاک مال و شیر پز و ساقی و تریاک‌گیر و خانه‌دار و قهوه‌چی و خرده‌فروش و تاجر و جمع کثیری در این راه کار می‌کردند و خانواده‌های فراوانی از قبل آن نان می‌خوردند" (نوایی، ۱۳۷۳: ۱۹). این زراعت و این تجارت چندان در بین طبقات مختلف نفوذ یافت که اغلب مردم را به دام انداخت. در سال ۱۳۰۷ دولت در مواجهه با این وضعیت در صدد راهکار برآمد و انحصار تجارت تریاک را بدست گرفت ولی نتیجه عملی آن موجب نجات مردم نگردید. در واقع تجارت تریاک از دست تجار داخلی درآمد و به دولت منتقل گردید. دولت بیشتر به تقویت بنیه مالی خود می‌اندیشید، چون تریاک ایران نسبت به تریاک ترکیه و افغانستان، از نظر میزان مرفین کیفیت بالاتر و مشتریان دست به نقدتری داشت (نوایی، همان: ۱۸). دولت برای هزینه‌های اصلاحات و اهداف اقتصادی خود نیاز شدید به کسب درآمد تریاک داشت. انحصار و کنترل دولت بر امرکشت و تجارت خارجی و داخلی تریاک در عمل منجر به اقداماتی شد که خود می‌توانست در رواج استعمال تریاک موثر افتد، برخی از این اقدامات را می‌توان به شرح زیر فهرست کرد:

الف) فروش اجباری تریاک به مغازه‌داران و مردم: کارمندان و رؤسای ادارات (مأموران اداره انحصار تریاک) که در فروش این ماده و مصرف داخلی آن، نقش داشتند، برای تأمین درآمد یا خوش خدمتی و یا از روی جهل و ناآگاهی، به اجبار، به مغازه‌داران تریاک می‌دادند و آن‌ها را به فروش این ماده وادار می‌کردند. این اقدام مأموران دولتی در برخی مناطق، موجب نارضایتی مردم می‌شد. در گزارش ۱۹/۷/۲۴ وزارت پست و تلگراف شوشتر آمده است: «به طوری که شایع است، بیست مغازه خورده (خرده) فروشی قند که در شهر شوشتر تأسیس شده، اداره دارایی به هر مغازه فروش قند به طور اجبار، سه لول تریاک می‌دهند. مغازه‌ها هم نیز به خریداران قند، اجباراً تریاک می‌فروشند. اهالی شهر از این موضوع، ناراضی و تأثیر خیلی بدی در روحیه آن‌ها کرده است» (سازمان اسناد ملی، ش سند: ۱۰۱۰۰۲/۱۹۶).

ب) ایجاد مراکز فروش تریاک: در این دوره، دولت اجازه داد در تمام ولایات و شهرهای ایران، شعبه‌های فروش تریاک تأسیس شود (سازمان اسناد بهارستان، ش سند: ۰۹۲۷۸-۰۲)؛ و این شعبه‌ها به قدری گسترده شد که حتی در معابر عمومی شهرها نیز برپا گردید و معتادان با مراجعه به این مکان‌ها تریاک موردنیاز خود را خریداری می‌کردند. دولت، هدف از این اقدام را تأمین آسایش و رفاه مردم و به ویژه معتادان اعلام کرده بود (همان).

ج) آزادسازی خرید و فروش تریاک: در دوره حکومت پهلوی، به دلیل همه گیر شدن کشت و افزایش مصرف تریاک در میان اقشار مختلف جامعه، دولت در برخی مقاطع و با وضع بعضی قوانین، خرید و فروش این ماده را آزاد اعلام کرده بود؛ البته در سال ۱۳۰۷ش. دولت با تصویب قانون انحصار تریاک، خرید و فروش این ماده را تحت کنترل خود درآورد تا شاید از این طریق بتواند ضمن حفظ درآمدهای حاصل از تولید و تجارت تریاک، استعمال آن را کاهش دهد؛ اما متأسفانه به دلیل کاهش درآمد حاصل از فروش تریاک در حوزه مصرف داخلی، این اقدام هم ناکارآمد بود؛ بنابراین، دولت درصدد آزادسازی خرید و فروش این ماده برآمد. مؤید این ادعا تلگرافی از اداره مالیه در سال

۱۳۰۹ش. است که براساس آن، فروشندگان تریاک که از دولت، مجوز معامله دریافت می کردند، می توانستند بدون هیچ گونه محدودیت قانونی، تا نیم من تریاک را با خود حمل کنند (سازمان اسناد ملی، ش سند: (۲۷۴۹۵)، ۲۰۴۲۰-۲۴۰).

د) وجود مراکز مصرف: قهوه‌خانه‌ها و مراکز مصرف تریاک و شیره (اعم از دولتی و خصوصی) که بنابه تصمیم دولت، برای کنترل اعتیاد برپا شده بودند، خود عاملی در افزایش مصرف تریاک شدند؛ به طوری که دولت در راستای کنترل اعتیاد در سال ۱۳۱۰-۱۳۱۱ش. در تهران، نزدیک باغ فردوس، چندین خانه را که شهرداری احداث کرده بود، به عنوان مراکز برای مصرف این ماده تعیین کرد. این خانه‌ها را به همدیگر سوراخ و به تمام شیره کش خانه‌ها اخطار کردند از آن تاریخ، بساط خود را در آن خانه‌ها پهن کنند و از اداره تحدید، شیره بگیرند و به مشتریان خود بفروشند. این مکان‌های جدید و تحت نظارت دولت، دارالعالج نامیده شدند. شایان ذکر است که این اقدام دولت نه تنها در کاهش اعتیاد مؤثر نبود؛ بلکه سبب افزایش تعداد معتادان هم شد (کوهی کرمانی، ۱۳۲۴: ۷۳/۱). برخی دیگر از اقدامات دولت از قبیل دادن سهمیه تریاک به قهوه‌خانه‌ها و خرید سوخته تریاک با بهایی بیشتر از قیمت تریاک از قهوه‌چیان هم از دیگر دلایل افزایش مصرف و اعتیاد در دوره پهلوی بود (لطیفی نیا، ۱۳۷۱: ۱۱۲).

آثار سوء اجتماعی مربوط به تریاک

مصرف تریاک، اثرهای سوء اجتماعی بسیار همچون مسمومیت و خودکشی، دزدی، گدایی، ایجاد مزاحمت‌های اجتماعی، ناامنی و قاچاق داشت که در اینجا، مهم‌ترین آن‌ها را به صورت مختصر بررسی می کنیم:

الف) خودکشی

نمونه‌هایی از انتحار با استفاده از تریاک، از دوره قاجار به بعد، در منابع بسیار دیده می شود. شاید یکی از علت‌های مهم خودکشی با این ماده، دسترسی آسان به آن بوده است. در همین دوره، کسانی که قصد خودکشی داشتند و نمی‌خواستند بعد از خوردن تریاک،

نجات یابند، مقداری سرکه می خوردند؛ بنابراین، با حالت خنده می مردند و نجات آنان از مرگ، تقریباً غیرممکن و بسیار دشوار بود (پولاک،^۱ ۱۳۶۸: ۴۳۸). علاوه بر سفرنامه‌ها، یکی از مهم‌ترین منابع اجتماعی عصر قاجار که با استفاده از آن می‌توان اطلاعاتی درخور توجه درباره خودکشی با استفاده از تریاک به دست آورد، روزنامه شکوفه است که نشریه‌ای مربوط به زنان است. چنان‌که از مطالب این روزنامه برمی‌آید، بیشتر قربانیان انتحار با استفاده از تریاک، زنان بوده‌اند که به دلیل داشتن مشکلاتی همچون دعوا با مادرشوهر و چشم‌وهمچشمی با دیگران، چنین تصمیمی می‌گرفتند (نوابی و دیگران، ۱۳۷۷: ۳، ۶، ۱۱ و...). بی‌تردید، این عادت، همانند دیگر موارد مصرف، از دوره قاجار به زمان حکومت پهلوی هم منتقل شده است و در دوران پهلوی نیز زنان با همان تفکرات سنتی گذشته، برای خودکشی، از تریاک استفاده می‌کردند؛ اما متأسفانه، به دلیل محدود بودن سفرنامه‌ها و همچنین سانسور مطبوعاتی که در دوره پهلوی رواج داشت، برای جلوگیری از مخدوش شدن چهره جامعه ایران، این مطالب در مطبوعات انعکاس نیافته است.

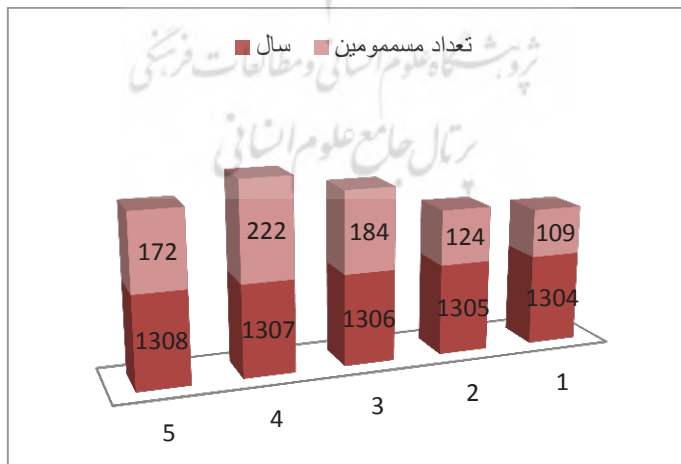
یکی از مهم‌ترین گزارش‌ها درباره خودکشی با تریاک در دوره پهلوی اول، مربوط به مرگ وزیر دارایی، علی‌اکبر داور است. در این ماجرا، دولت می‌کوشید به مردم بقبولاند که وزیر دارایی در اثر حمله قلبی، جان سپرده است؛ اما خبر خودکشی داور به سرعت، همه جا منتشر شد. دولت پهلوی به همه مطبوعات دستور داده بود هیچ تفسیری درباره مرگ این وزیر و نیز هیچ‌گونه مطلبی با مضمون قدردانی از او را چاپ نکنند (آیتی، ۱۳۸۵، سال دهم، ش. ۳۷، ص ۲۰۸-۲۰۹).

از جمله مهم‌ترین منابع برای دست‌یافتن به آمار دقیق خودکشی با استفاده از تریاک، احصائیه‌های متوفیات سالیانه است که در آن‌ها، به صورت ماهانه، میزان مرگ ناشی از مصرف تریاک ذکر شده است؛ مثلاً در احصائیه سال ۱۳۰۴ تهران، انتحار با استفاده از تریاک، پنج مورد در سال بوده است. و مرگ در اثر دست‌نیافتن به تریاک نیز دو مورد در سال روی داده است. مسمومیت به تریاک نیز که در نهایت، به مرگ افراد منجر شده، شش مورد در سال بوده است (سازمان اسناد بهارستان، ۱۳۰۴-۱۳۰۸: ۳۹).

^۱ Polak

البته درباره آمار موجود در احصائیه شهر تهران، ذکر این نکته لازم است که در سال ۱۳۰۴ هنوز موج فزاینده اعتیاد در کشور شدت نیافته بود و این آمار فقط تعداد کسانی را نشان می‌دهد که برای مداوا به پزشک مراجعه کرده‌اند. به نظر می‌رسد تعداد افرادی که با استفاده از تریاک انتحار می‌کردند، بسیار بیشتر از این میزان بوده است؛ زیرا در مناطق دورافتاده، مداوای خانگی، مانع از مراجعه به پزشک می‌شد و در نتیجه، آمار قربانیان انتحار با استفاده از تریاک در احصائیه‌ها ذکر نمی‌شد. از سوی دیگر، در مناطق اصلی کشت تریاک مانند فارس و خراسان، تعداد قربانیان بیشتر از آمار مربوط به تهران بوده است که میزان تولید تریاک در آن، کمتر بود. دلیل اثبات این ادعا می‌تواند میزان تولید و مصرف تریاک در سال ۱۳۱۹ در استان‌های مختلف می‌باشد (سازمان اسناد ملی، سند ش ۳۵۲۰۵-۲۴۰).

طی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۸ آمار مسمومان با تریاک روندی فزاینده داشته، احصائیه شهر تهران که حاکی از عملیات مأموران صحیه و معاونت عمومی در مداوای این مسمومان است، نشان می‌دهد بیشترین آمار مسمومیت با تریاک، مربوط به سال ۱۳۰۷ است. (احصائیه شهر تهران، ۱۳۰۴-۱۳۰۸، مرکز اسناد بهارستان: ۲۲۸).



جدول ۱. مسمومین با تریاک در سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۰۸

ج) بزهکاری

با وجود کم بودن تعداد سفرنامه‌ها در دوره پهلوی اول، در آن‌ها مطالبی مهمی درباره انواع بزهکاری‌های ناشی از مصرف تریاک، از جمله دزدی و قاچاق آمده است که البته در مخدوش شدن چهره ایرانیان نزد غربیان، می‌تواند بسیار مؤثر باشد. در اینجا، مهم‌ترین بزهکاری‌های ناشی از مصرف تریاک را بدین شرح بررسی می‌کنیم:

۱- ج: دزدی: هرمان نوردن^۱ در سفرنامه‌اش درباره دزدان نوشته است: «در ایران، دزدان به‌طور مداوم، در جستجوی تریاک هستند» (نوردن، ۲۵۳۶ شاهنشاهی: ۸۲). به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که دزدان را وادار به دزدی تریاک می‌کرد این بود که هم نیاز مصرفی خودشان را تامین می‌کردند و هم تریاک کالایی بود که در همه جا با پول نقد معاوضه می‌شد و دلیل دیگری که می‌توان برای این کار دزدان ذکر کرد این بود که دولت خود مراکزی را دایر کرده بود که سوخته تریاک مصرفی را از معتادان جمع‌آوری و در قبال آن وجهی پرداخت می‌کرد (سازمان اسناد ملی، وزارت مالیه، ۱۳۱۶، ش سند ۱۶۸۵۹-۲۴۰) و (سازمان اسناد بهارستان، ش سند: ۰۸۲۷۰-۰۲).

برخی افراد دیگر هم تریاک‌های موجود در انبارهای دولتی یا تریاک‌های ارسالی تاجران و تولیدکنندگان این ماده را سرقت می‌کردند. چون تریاک، به راحتی فروخته می‌شد، به سرعت در اختیار قاچاقچیان قرار می‌گرفت و سپس آنان این ماده را صادر می‌کردند یا در داخل کشور می‌فروختند. برای پیگیری تریاک‌های سرقت شده از انبارهای دولتی، اولین کسی که مورد سوءظن قرار می‌گرفت، انباردار بود که در صورت اثبات جرم تعقیب می‌شد.

یکی از موارد سرقت تریاک از انبار دولتی، مربوط به انبار تریاک اسدآباد است که سارقان، قفل آن را شکستند و ۱۴۱۸ مثقال سوخته و ۸۸۱۸ مثقال تریاک ضبطی را از آنجا سرقت کردند. در این مورد، پس از انجام شدن تحقیقات لازم اعلام شد چون سهراب صفرخانی فقط مستخدم وزارت مالیه بوده و برای حفاظت شعبه‌های مالیه، شب‌ها در اداره بیتوته می‌کرده و انباردار نبوده است، نباید تحت تعقیب قرار گیرد (سازمان اسناد ملی،

^۱ Hermann Norden

محل در آرشیو: ۲۴۰۰۵۶۷۵۹)؛ اما اگر تریاک‌ها مربوط به تاجران و تولیدکنندگان بود، پس از اثبات سرقت، دولت، غرامت تریاک سرقت‌شده را به آنان پرداخت می‌کرد. در برخی موارد هم تریاک‌هایی که برای ارسال به مناطق دیگر، به اداره پست داده می‌شد، به سرقت می‌رفت و از آنجا که مرسولات پستی بیمه می‌شد، اداره بیمه منطقه، غرامت آن را پرداخت می‌کرد (سازمان اسناد بهارستان، ش سند: ۰۷۰۴۶-۲۲).

البته پرداخت غرامت تریاک‌های سرقت‌شده، به راحتی امکان‌پذیر نبود و گاهی مردم یک منطقه، بارها به وزارت مالیه عریضه می‌نوشتند و تقاضا می‌کردند غرامت اجناس سرقت‌شده به آن‌ها پرداخت شود؛ مثلاً مردم کفرش نهند، (تجارتخانه رفقا در عریضه‌های خود نوشته‌اند یازده ماه است تریاک آن‌ها سرقت شده و غرامت آن پرداخت نشده است و رئیس پست منطقه درج به دلیل تمام شدن بودجه در پایان سال، پرداخت غرامت به آنان را به سال آینده مؤکول کرده است؛ بدین ترتیب، کسانی که تریاکشان مفقود یا سرقت می‌شد، باید مراحل طولانی را طی می‌کردند تا بتوانند غرامت دریافت کنند.

۲- ج: ناامنی و نارضایتی‌های اجتماعی: در پی بررسی عریضه‌ها در اسناد درمی‌یابیم استعمال تریاک، عاملی مهم در بروز ناامنی در جامعه بوده است. در این عریضه‌ها بیشتر مردم از دایر شدن شیره کش‌خانه‌ها اظهار نارضایتی کرده و نوشته‌اند بوی تعفن شیره، سبب دشواری عبور از کوچه‌های شهر شده است. آنان ایجاد شیره کش‌خانه‌ها را عامل گمراهی جوانان دانسته و از ابتلای بیشتر افراد به مصرف شیره اظهار نگرانی کرده‌اند (سازمان اسناد بهارستان، ش سند: ۱۱۸۳۱-۰۲). محتوای سند نشان می‌دهد مردم آن زمان از گسترش اعتیاد در میان جوانان، نگران بوده و از برپایی چنین مراکزی ابراز نارضایتی می‌کرده‌اند.

دیگر مورد ناامنی، تفتیش مأموران مالیه بود. یکی از این موارد به عریضه حمیدزاده یزدی، از مأموران انحصار سمنان در تفتیش منزلش مربوط می‌شود که وی تقاضا کرده است از این کار جلوگیری شود؛ زیرا اذعان داشته است مأموران بدون کسب اجازه، وارد منزلش شده و پس از ساعت‌ها جستجو، تریاک قاچاق نیافته و از آنجا بازگشته‌اند. از آنجا که این فرد، تاجری سرشناس بوده و خود را آشنا به قوانین و ملزم به رعایت آن‌ها

می دانسته است، علت این اقدام مأموران را دشمنی ذکر کرده و هدف آنان از این کار را لطمه زدن به حیثیت تجارتهی خود دانسته است. او در پایان عریضه، متقاضی رسیدگی به دادخواست خود شده است (سازمان اسناد بهارستان، سند ش: ۰۲-۰۹۸۹۱ و ۰۲-۰۹۸۹۲-۰۲). مورد دیگر، شکایت شیخ صالحی (ساکن الشتر) از طرز رفتار مأموران انحصار تریاک در خصوص توقیف وی به اتهام مصرف تریاک است (سازمان اسناد بهارستان، ش سند: ۶۹-۷۳۹۵).

البته دولت برای جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی مأموران اداره مالیه، قوانینی را تصویب کرده بود که بر اساس آن، از مأمورینی که برخلاف واقع، دیگران را متهم به قاچاق کرده و موجب مزاحمت شوند، علاوه بر جبران خسارت وارده، تا شش ماه، زندان و انفصال دائم از خدمت محکوم می شدند و در صورت کشف تریاک قاچاق، مطابق نظامنامه وزارتهی، هم صدی ده آن را جهت مخارج کشف و به دست آوردن جنس قاچاق به کاشفین و مخبرین اجناس پرداخت می کردند (لوح مذاکرات مجلس، ۱۳۰۸: جلسه ۲۴: ص ۲۴).

علاوه بر قوانین تصویب شده، دولت در مناطق اصلی کشت تریاک که احتمال قاچاق، زیاد بود، کاشفانی را منصوب کرده بود تا درباره قاچاق تریاک به دولت گزارش دهند. برخی اسناد به دست آمده از این دوره، بیانگر آن است که کاشفان مناطق مختلف از پرداخت نشدن حقوقشان شکایت کرده اند (سازمان اسناد ملی، ش سند ۳۶۶۸۷-۲۴۰).

طبیعی بود که در این فضای اجتماعی، بازار تهمت و افترای قاچاق به افراد سرشناس هم رونق بگیرد و این افراد گاه مجبور می شدند برای حفظ موقعیت اجتماعی خود، به مأموران تفتیش، رشوه بدهند. در این وضعیت، شاید پرداخت نشدن حقوق مأموران اداره انحصار، راهی بود که آنان برای کسب درآمد انتخاب کرده بودند؛ به همین دلیل، در اسناد دوره پهلوی، عریضه های بسیار زیادی از مناطق مختلف ایران به دست آمده است که نویسندگان آنها از بی عدالتی های مأموران اداره انحصار مبنی بر اتهام قاچاق به آنان شکایت کرده اند (سازمان اسناد بهارستان، ش سند: ۶۹۶۹۰۶-۰۲ و ۷۰۶۹۳۵-۰۲).

۳- ج: افزایش قاچاق و تقلب: افزایش تولید و استعمال تریاک، عامل بسیاری از مشکلات در جامعه عصر رضاشاه بود که از جمله آنها می توان افزایش قاچاق، کوتاهی

مأموران در انجام دادن وظایفشان، تقلب در سنگ وزنه‌های تریاک و نیز رشوه‌گیری مأموران را ذکر کرد. در اینجا، دو مورد از مهم‌ترین این مشکلات را شرح می‌دهیم:

نخست، تقلب و رشوه‌گیری مأموران: در عریضه‌ها گزارش‌های بسیاری دربارهٔ تقلب و رشوه‌گیری مأموران آمده است؛ مثلاً یکی از عریضه‌ها به کارکنان ادارهٔ انحصار تربیت حیدریه مربوط می‌شود. در این عریضه آمده است:

در نتیجهٔ راپرت مفتشین ادارهٔ انحصار، پس از جستجوی فراوان، یک من وده سیر شیرهٔ تریاک کشف کرده‌اند. تمام مأموران به تریاک‌بودن آن تصدیق نموده، حتی یک نفر از مأمورین هم که معتاد بود، مقداری از آن را مصرف نمود. مجرم هم متعهد به پرداخت جریمه می‌شود؛ اما پس از سه روز، مجرم با دادن یک صد تومن تقاضا می‌کند که تریاک‌های ضبط‌شدهٔ وی را در حضور چند نفر مصدق معاینه کنند. پس از معاینه، تریاک‌های مزبور، قره‌قروت خالص می‌شود.

و به این ترتیب، مجرم تبرئه می‌شود (سازمان اسناد بهارستان، ش سند: ۱۳۶۱۷-۰۲). بدین ترتیب، مشخص می‌شود که در آن دوران، چگونه تقلب و رشوه‌گیری مأموران به راحتی سبب تبرئه مجرم و تبدیل تریاک به قره‌قروت شود. نتیجهٔ این اقدام مأموران، گسترش قاچاق و رشوه‌گیری در جامعه بود.

دوم، تقلب در سنگ‌وزنه‌های توزین تریاک: تقلب و سوذجویی مأموران در مراحل مختلف جمع‌آوری و خرید تریاک، شیره و سوخته رواج داشت. اولین نمونهٔ این گزارش‌ها مربوط به مأموران خرید تریاک در حوزهٔ بوانات و قنقری استان فارس در سال ۱۳۱۶ بود که ضمن شکایت از بدرفتاری مأموران ادارهٔ انحصار تریاک اعلام کردند مأموران خرید به سنگ‌وزنه‌های تریاک، سیم پیچیده‌اند و بدین صورت، در وزن تریاک به مردم منطقه تعدی شده است؛ زیرا فروشندگان، شیره‌هایی را که قرار بوده است به مأموران مالیه بدهند، از قبل وزن کرده بودند و مأموران مالیه پس از وزن کردن شیره، متوجه بروز تقلب در آن‌ها شده‌اند. به بیان مختصر، منظور نویسندهٔ نامه، این بوده است که تریاک اضافه از مردم می‌گرفته و به‌نفع خود استفاده می‌کرده‌اند. گفته‌های معتمدان محل نیز مؤید

این ظن است (سازمان اسناد ملی، ش سند: ۱۶۸۵۹-۲۴۰) (شماره برگه‌های مجموعه سند ۲۷۴۴۹ و ۲۷۴۴۸).

اداره انحصار در پاسخ به این شکایت گفته است سنگ‌های توزین با سنگ‌های وزنه در پستخانه تطبیق داده شدند و چون کسر داشتند، خود اداره برای رفع کسر، آن‌ها را سیم‌پیچی کرده‌اند (سازمان اسناد ملی، ش سند: ۱۶۸۵۹-۲۴۰) (شماره برگه‌های مجموعه سند ۲۷۴۴۷). بر فرض صحت این ادعا، کمیسیون مورد بحث باید پس از تطبیق سنگ‌های وزنه با سنگ‌های انبار انحصار، بر اساس یک صورت مجلس، کسری را با سیم ترمیم می‌کردند.

اقدامات محدودکننده دولت در زمینه اعتیاد

هرچند هیچ‌گونه آمار دقیق و قطعی از تعداد معتادان به استعمال تریاک، موجود نیست، اما بر اساس قرائن و برخی آمارها می‌توان تعداد تقریبی مبتلایان به استعمال تریاک را برآورد کرد. ریچاردز درباره مصرف تریاک در سال‌های اول حکومت رضاشاه (۱۳۰۳-۱۳۰۲ ش. / ۱۹۲۳-۱۹۲۴ م.) نوشته است:

هرگاه جمعیت ایران را دوازده میلیون تن فرض کنیم، این طور تخمین زده‌اند که در سال ۱۹۲۳-۱۹۲۴ هر ده هزار تن، مقدار ۴۵۹ پاوند تریاک مصرف کرده‌اند. با در نظر گرفتن این نکته که مجمع اتفاق ملل برای ده هزار تن، مصرف دوازده پاوند تریاک خام را جایز دانسته است، می‌بینیم که مصرف آن در ایران، ۳۸ برابر میزانی است که مجمع مزبور، قانوناً مجاز دانسته است (ریچاردز، ۱۳۴۳: ۲۱).

طبق آمارهای مؤسسه انحصار در سال ۱۳۱۹، مقدار تریاک لول که از طرف اداره انحصار تریاک برای مصرف داخلی فروخته شده، ۳۰۰/۶۸۵ کیلوگرم بوده است و از آنجا که قسمتی از تریاک مصرف داخلی هم به صورت قاچاق، از طرف معتادان تهیه می‌شد، که مقدار آن را می‌توان در حدود یک سوم مقداری برآورد کرد که رسماً فروخته می‌شود؛ بنابراین، کل مقدار تریاک لول مصرف داخلی کشور، حدود چهارصد تن در

سال تخمین زده می‌شود. از سوی دیگر می‌توان میزان مصرف روزانه هر فرد معتاد به تریاک را به‌طور متوسط، حدود دو گرم (حداقل متوسط مصرف هر فرد معتاد) فرض کرد که در سال، ۷۳۰ گرم می‌شود؛ بر این اساس، عده تقریبی معتادان به تریاک، ۵۴۷ هزار نفر خواهد بود (سازمان اسناد ملی، ش سند: ۳۲۲۰۵-۲۴۰). از آنجا که میزان سوخته حاصل از کشیدن تریاک، حدود سی درصد از تریاکی است که مصرف می‌شود، حدود ۱۲۰ تن سوخته در کشور به‌وجود می‌آید که شاید حدود یک‌سوم آن جمع‌آوری نمی‌شود و از بین می‌رود. از دو سوم باقی‌مانده (حدود هشتاد تن)، حدود نصف آن را اداره انحصار تریاک جمع‌آوری می‌کند و بقیه (حدود چهل تن) را شیره‌کشان مصرف می‌کنند.

اگر هر فرد معتاد در روز، به‌طور متوسط، دو گرم تریاک مصرف کند، این میزان برای حدود ۵۵ هزار نفر، کافی است؛ بدین ترتیب، تعداد تقریبی کل معتادان تریاک و سوخته در ایران، بالغ بر ۶۰۳ هزار نفر می‌شود و نسبت به جمعیت کل کشور (حدود دوازده میلیون نفر)، بیش از پنج درصد می‌شود (سازمان اسناد ملی، ش سند: ۳۵۲۰۵-۲۴۰). اما با توجه به اینکه زنان (به‌استثنای برخی مناطق) معمولاً تریاک استعمال نمی‌کردند و مردان نیز معمولاً از بیست سالگی به‌بعد به مصرف این ماده روی می‌آوردند، اگر جمعیت ایران حدود دوازده میلیون نفر برآورد شود و نصف این عده، مرد فرض شود، بر این اساس که مردان از بیست سالگی، جزء جمعیت فعال کشور محسوب می‌شوند، به حدود ۵۷ درصد از کل جمعیت مرد و یا حدود سه میلیون و ۴۲۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت هفده درصد از جمعیت فعال ایران به استعمال تریاک، معتادند.

آمارهای به‌دست‌آمده از مصرف زیاد تریاک در جامعه و پایین آمدن سن اعتیاد، دولت را به چاره‌اندیشی واداشت و برنامه‌هایی را برای محدود کردن استعمال تریاک اجرا کرد که از جمله آن‌ها می‌توان موارد ذیل را نام برد: قانون ۱۳۰۴ (قانون جرم‌انگاری درحوزه مواد مخدر)، قانون انحصار تریاک در سال ۱۳۰۷؛ قانون مجازات مرتکبان قاچاق در سال ۱۳۰۸؛ انحصار تجارت خارجی در سال ۱۳۰۹ که براساس آن، تریاک هم جزء اقلام انحصاری دولت بود و قانون منع استعمال ۱۳۱۴ که ضمن انحصاری کردن تریاک برای دولت، بندهایی از آن هم به محدودیت استعمال تریاک اختصاص داشت. علاوه بر این‌ها

دولت در صدد برآمد برنامه‌هایی تبلیغاتی را برای مبارزه با اعتیاد در کشور آغاز کند که به نظر می‌رسد مهم‌ترین و جامع‌ترین آن‌ها برنامه سال ۱۳۱۷ بود. در این برنامه، ضمن ممنوعیت کشت تریاک در برخی مناطق تولیدکننده، یک برنامه سه‌ساله برای منع استعمال تریاک طراحی شد. در این برنامه، دولت ابتدا منع استعمال تریاک در استان‌هایی مانند تهران و مازندران را آغاز کرد که مصرف بالایی داشتند (سازمان اسناد ملی، ش سند: ۳۵۲۰۵-۲۴۰). مهم‌ترین اقدامات دولت در این برنامه، بدین شرح بود:

- تأسیس دفتر ثبت معتادان و ایجاد پروانه مصرف تریاک که در آن، اطلاعات فرد معتاد و میزان مصرف او در آن آمده بود؛
- کاستن تدریجی از مقدار تریاک مصرفی معتادان از طریق افزودن مواد خارجی به تریاک و کاستن از میزان تریاک خالص؛
- اقدامات بهداشتی، شامل ایجاد بیمارستان برای معالجه رایگان معتادان و مراقبت از آن‌ها، توزیع رایگان داروهای ضد تریاک، و اعزام پزشک و ارسال دارو به مناطق مختلف برای ترک استعمال تریاک؛
- انجام دادن اقدامات تبلیغی مانند مبتذل جلوه دادن فرد معتاد به تریاک در انظار عموم، چاپ کتابچه‌هایی با مضمون مضرات تریاک، توزیع رایگان مجلات بین مردم، نگاشتن مقاله‌هایی با موضوع اعتیاد در روزنامه‌ها و تهیه فیلم‌های کوتاه درباره تریاک و مضرات آن (همان).

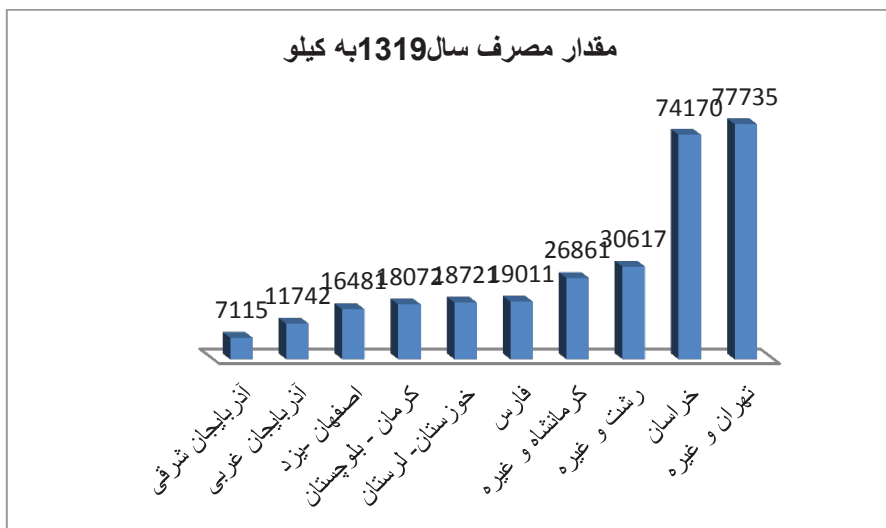
دولت رضاشاه با پی‌گیری این برنامه‌ها امیدوار بود در طول سه سال به نتیجه دلخواه برسد و استعمال تریاک در کشور ریشه کن شود؛ اما انتقادهای بسیار به این برنامه، برخی اقدامات اشتباه مانند ادامه یافتن تولید تریاک در کشور به دلیل اهمیت اقتصادی آن و همچنین ورود ناخواسته ایران به عرصه جنگ جهانی دوم، سبب شد دولت در اجرای برنامه‌هایش دچار مشکل شود و بدین صورت، ایران باز هم در برنامه منع استعمال تریاک شکست خورد.

به طور کلی می‌توان گفت از نیمه دوم قرن نوزدهم به بعد تولید تریاک تجاری ایران رو به افزایش رفت و نارضایتی و مخالفت با میزان رو به رشد مصرف تریاک در کشور وجود داشت ولی این نارضایتی هرگز به مخالفتی مشابه با جنبش‌های ضد تریاک در اروپا، آمریکا و چین نرسید. گرچه دولت ایران به اقدامات دیپلماتیک علیه تجارت جهانی تریاک ملحق شده بود و دو قرارداد تریاک ۱۹۱۲ لاهه و ۱۹۲۵ ژنو را امضا کرده بود ولی در عمل چندان پای بندی به آنها نداشت. در نیمه اول قرن بیستم، ایران نه تولید تریاک اش را کم کرد و نه هیچ حرکت جدی برای کاهش شمار معتادان کشور انجام داد (Regavim, 2012:7). در دوره رضاشاه نیز بسیاری از سیاحان خارجی بر تعداد زیاد تریاک‌کشان در ایران صحنه گذاشته و گاه شاکی بوده‌اند که دولت تلاش آن‌چنان جدی برای مبارزه با تریاک انجام نداده است. برخی از تحلیلگران توضیح می‌دهند که درآمد تریاک آنقدر برای انجام اقدامات اصلاح طلبانه حکومت مهم بود که دولت حتی چشمش را بر قاچاق تریاک ایران می‌بست و گاه این امر با تشویق غیرمستقیم و یا حتی مستقیم حکومت صورت می‌گرفت. اعتراضات کمیته تریاک جامعه ملل هم تاثیر چندانی بر سیاست ایران نداشت. اما این بدان معنی نبود که ایران نمی‌خواست تجارت و مصرف تریاک را کاهش دهد (Ibid: 185-186). رژیم رضاشاه بدون تردید نگران سطح مصرف بالای تریاک و تاثیرات اجتماعی آن در جامعه بود، اما علی‌رغم ماهیت دیکتاتوری‌اش، مصرف تریاک را به طور جدی ممنوع نکرد. این امر برای رژیم می‌که قانون لباس را بر شهروندانش دیکته می‌کرد و از ممنوعیت لباس روحانیون ابایی نداشت، نکته قابل توجهی است. می‌توان گفت فقدان تقاضای عمومی جدی برای ممنوعیت تریاک، تقدم ملاحظات مالی و درآمد اقتصادی چشمگیر تریاک این سیاست را برای دولت توجیه می‌کرد. بدین ترتیب علی‌رغم فشارهای بین‌المللی و نگرانی خود حکومت از نرخ بالای معتادین، تولید، تجارت و مصرف تریاک کاهش نیافت و فقط اقداماتی نه چندان ریشه‌دار برای برخورد با آنچه حکومت خود به عنوان مشکل تریاک درک می‌کرد، انجام گرفت (Ibid, 2012:4).

نتیجه گیری

هم‌چنان که ذکر آن رفت، تریاک جزو اقلامی بوده که در تاریخ کشور ما جایگاه ویژه‌ای داشته است، مصرف آن از دیر باز چه در حوزه پزشکی و چه به عنوان مخدر رایج بوده و در دوره‌های متاخرتر تولید و تجارت آن در اقتصاد کشور نقشی مهم ایفا کرده است. از نیمه دوم قرن نوزدهم تولید، تجارت و مصرف آن رشد چشمگیری یافت و این فزونی در دوره پهلوی نیز ادامه یافت. به موازات رشد تولید و تجارت تریاک، سهولت دسترسی به آن نیز افزایش یافت و منابع این دوره از اعتیاد روز افزون به تریاک در همه اقشار و طبقات مختلف جامعه سخن گفته‌اند. البته قابل ذکر است که قابلیت فزاینده دسترسی به تریاک، نمی‌تواند فی‌نفسه رشد مصرف آن را توضیح دهد، افزایش مصرف تریاک صرفاً با دسترسی مادی به آن رابطه مستقیمی ندارد، اما این امر وقتی با عوامل فرهنگی و اقتصادی پیوند می‌خورد، می‌تواند به عللی برای رواج اعتیاد تبدیل شود. دسترسی آسان به آن در شرایطی که زمینه برای مشکلات اجتماعی و روانی وجود دارد، توأم با باورهای نادرست در استفاده از این ماده، جهل و ناآگاهی از تبعات منفی آن، عدم اطمینان به دانش نوین پزشکی، عدم دسترسی به دارو در مناطق دورافتاده، اعتیاد گروه‌های شاخص جامعه که خود به‌نوعی، الگوی افراد بودند، و گاه سیاست‌های خود دولت در افزایش مصرف آن موثر افتاد. به طوری که خرید و فروش آن در مراکز عمومی با بسته بندی دولتی، این باور را می‌توانست ایجاد کند که دولت مدرن پهلوی خود با کشیدن تریاک موافق است و بنا براین ضرری در آن نیست. درآمدهای اقتصادی تریاک آنقدر مورد نیاز دولت رضاشاه برای اجرای اصلاحات مدرن اش بود که نمی‌توانست از این کالای سودآور صرف‌نظر کند و حتی گاه بر قاچاق آن نیز چشم می‌بست. در این دوره علاوه بر دولت که به تریاک به‌عنوان یک کالای سودآور برای تأمین هزینه‌های کشور توجه می‌کرد، وابستگی معیشت بسیاری از اقشار و گروه‌ها مانند دلالان، تاجران، کشاورزان و کارگران به تولید و تجارت این ماده مخدر، به‌طور غیرمستقیم در افزایش مصرف و دسترسی آسان افراد به آن، مؤثر بود. . آمار معتادین در دروه رضاشاه گرچه کاملاً دقیق نبود، اما هشداردهنده بود، دولت از آثار سوئ اجتماعی اعتیاد به تریاک و موارد مربوط به خرید و فروش آن از جمله دزدی،

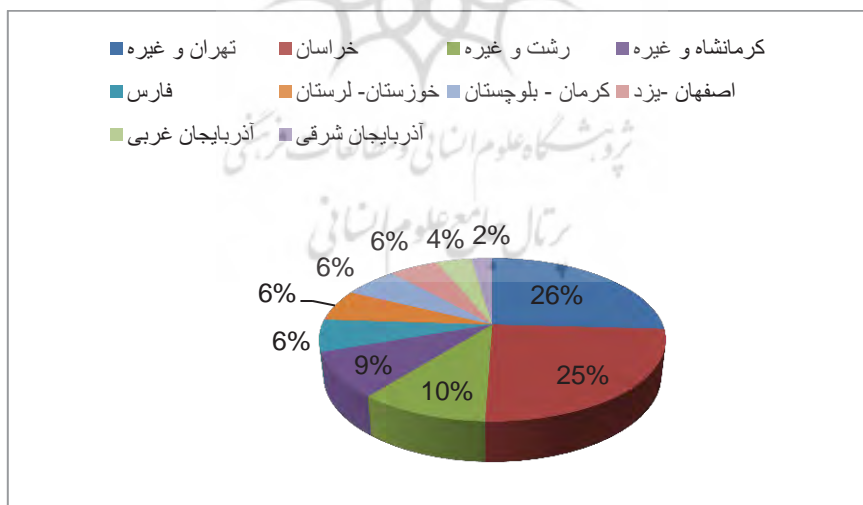
قاجاق، نارضایتی‌های اجتماعی از مصرف تریاک و مزاحمت‌های اجتماعی افراد معتاد در جامعه آگاه بود به همین دلیل برای حل این معضل بزرگ اجتماعی انحصار تولید و تجارت آن و نیز کنترل بر مصرف آن را در دست گرفت و در مقاطع مختلف، برنامه‌هایی را برای محدودیت مصرف آن اجرا کرد؛ اما گاه خود این برنامه‌ها از جمله ایجاد مراکز عمومی خرید و فروش، فروش اجباری به مغازه‌داران، و یا مراکز مصرف عمومی، به جای محدودیت مصرف تریاک به رواج بیشتر آن دامن زد گاهی نیز برنامه‌ها به دلیل برخی مشکلات و موانع، چندان کارایی نداشتند؛ مثلاً دولت در برنامه منع استعمال ۱۳۱۷ به انتشار مقاله‌هایی در روزنامه‌ها و نیز تهیه فیلم‌هایی درباره مضرات تریاک مبادرت کرد. مشکل این اقدامات، آن بود که در مناطق دورافتاده که مردم، امکانات لازم و نیز سواد خواندن و نوشتن نداشتند، این اقدام نمی‌توانست راهگشا باشد. از طرف دیگر، دولت طی سال‌های متمادی که برنامه‌های منع استعمال را مد نظر داشت، همچنان بر کشت تریاک برای صادرات تأکید می‌کرد و از این مسئله مهم غافل بود که تا وقتی کشت تریاک ادامه دارد، برنامه‌های منع استعمال نیز از ضمانت اجرایی لازم برخوردار نیستند. برای اثبات این ادعا که برنامه منع استعمال سال ۱۳۱۷ هم در ریشه‌کن کردن معضل اعتیاد، مؤثر واقع نشد، می‌توان میزان مصرف تریاک در استان‌های مهم کشور طی سال‌های ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ را ذکر کرد.



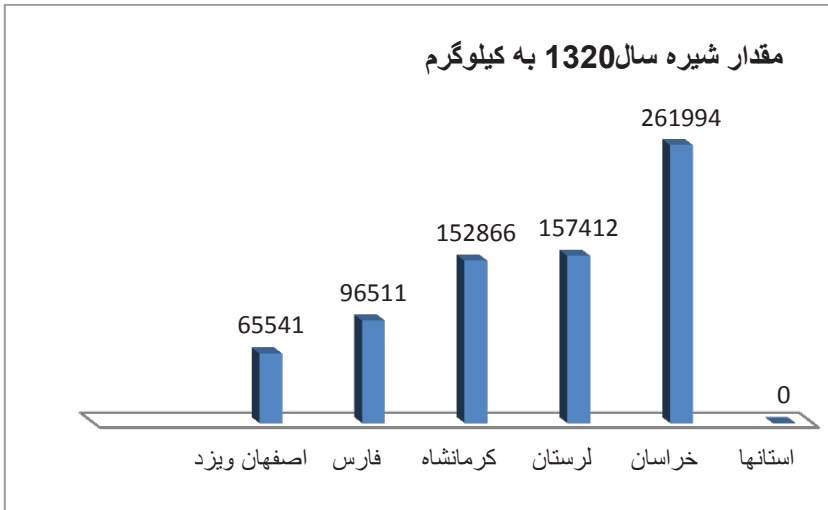
جدول ۲. میزان مصرف تریاک به کیلوگرم در سال ۱۳۱۹

منبع: سازمان اسناد ملی، سند ش ۳۵۲۰۵-۲۴۰

مقایسه میزان مصرف در استان‌های کشور:

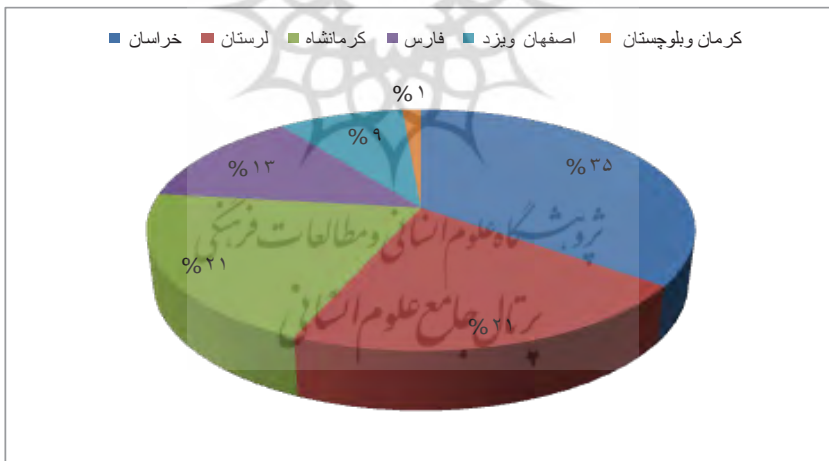


جدول ۳. مقدار مصرف سال ۱۳۱۹ در هر استان براساس درصد (سازمان اسناد ملی، ش سند ۳۵۲۰۵-۲۴۰).



منبع: سازمان اسناد ملی، سند ش ۳۵۲۰۵-۲۴۰

نرخ مصرف در استان‌های کشور:



جدول ۴. مقدار شیره تولیدشده در هر استان در سال ۱۳۲۰ بر اساس درصد.

منابع

الف) کتاب‌ها

- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹)، *از سیر تا پیاز*، تهران، علم.
- بلوشر، وپیرت فن، (۱۳۶۹)، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان*. ترجمه کی کاووس جهاننداری. چ ۲. تهران: خوارزمی.
- ریچاردز، فردریک (۱۳۴۳). *یک مسافرت ایرانی*. ترجمه مهین دخت صبا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- فردوست، حسین (۱۳۷۰). *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*. ج ۱. تهران: اطلاعات.
- کوهی کرمانی، ح. (۱۳۲۴). *تاریخ تریاک و تریاکی در ایران*. ج ۱. تهران: چاپخانه علمی.
- نوردن، هرمان (۲۵۳۶ شاهنشاهی). *زیر آسمان ایران*. ترجمه سیمین سمعی. تهران: دانشگاه تهران.
- نیدرمایر، اسکارفن (۱۳۶۳). *زیر آفتاب سوزان ایران*. ترجمه کی کاووس جهاننداری. چ ۱. تهران: نشر تاریخ ایران.
- هاکس، مریت (۱۳۶۸). *ایران: افسانه و واقعیت (خاطرات سفر به ایران)*. ترجمه محمدحسین نظری نژاد و محمدنقی اکبری و احمد نمایی. گروه ترجمه بنیاد پژوهش‌های اسلامی. چ ۱. مشهد: آستان قدس رضوی.

ب) مقاله‌ها

- آقاجری، سید هاشم، مهدی دهقان حسام‌پور و کامران حمانی، (۱۳۹۱) "علل رواج اعتیاد در جامعه عصر قاجار و آثار اجتماعی آن" مطالعات تاریخ اسلام، سال ۴، ش ۱۲، ص ۹-۳۱.
- آیتی، عطا (۱۳۸۵). «دیکتاتوری و اقتصاد: گزارشی از اوضاع اقتصادی ایران در عصر رضاشاه». *فصلنامه تاریخ معاصر ایران*. ش ۱۰. ش ۳۷. ص. ۲۰۳-۲۲۴.
- علی مردانی، علی اکبر (تابستان ۸۸). «مواد مخدر و رژیم پهلوی». *فصلنامه مطالعات تاریخی سال ششم*، ش ۲۵، ص ۱۱۲-۱۴۷.

- علیوردی‌نیا، اکبر (مرداد و شهریور ۱۳۸۶). «مواد مخدر و امنیت اجتماعی». نشریه سیمای اقتصادی. ش ۲۴۰-۲۳۹. ص. ۱۳۴-۱۴۱.
- مهشید لطیفی‌نیا، مهشید (۱۳۷۱) "تریاک و اقدامات انجمن مبارزه با تریاک و الکل"، گنجینه اسناد، ش ۷ و ۸، ص ۱۱۰ - ۱۲۹
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۳). "ماجرای منع تریاک" گنجینه اسناد، ش ۱۶، ص ۱۶-۳۵.

ج) اسناد منتشر نشده

- سازمان اسناد بهارستان، ش سند ۰۷۰۴۶-۰۲.
 - سازمان اسناد بهارستان، ش سند ۰۹۲۷۸-۰۲.
 - سازمان اسناد بهارستان، ش سند ۰۹۸۹۱-۰۲.
 - سازمان اسناد بهارستان، ش سند ۱۱۸۳۱-۰۲.
 - سازمان اسناد بهارستان، ش سند ۱۳۶۱۷-۰۲.
 - سازمان اسناد بهارستان (۱۳۰۴-۱۳۰۸ ش). *احصائیه شهر تهران*.
 - سازمان اسناد بهارستان. مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۴، جلسه ۳۹.
 - سازمان اسناد بهارستان (۱۳۰۳ ش). مک کرماک، د. و. یادداشت راجع به تریاک ایران. تهیه شده برای دکتر ا. س. میلسپاو، رئیس کل مالیه ایران. مطبوعه مجلس.
 - سازمان اسناد ملی، ش سند ۱۶۸۵۹-۲۴۰ (۱۲ برگ)
 - _____، ش سند ۲۴۰-۲۰۴۲۰.
 - _____، ش سند ۲۴۰-۳۵۲۰۵ (۳۰ برگ).
 - _____، ش سند ۵۶۷۵۹-۲۴۰.
 - _____، ش سند ۸۹۶/۱۰۱۰۰۲.
- Regavim, Ram Baruch, *The Most Sovereign of Masters: The History of Opium in Modern Iran, 1850-1955*, (2012), Dissertation, University of Pennsylvania.